



متن سخنرانی آیت الله العظمی واعظ زاده بهسودی در سیمینار گرامیداشت از آیت الله محقق خراسانی

(کابل، هتل انترکانتیننتال، ۳ دلو ۱۳۹۸)

۱۳۷۲ که مرجعیت آیت الله محقق کابلی شروع شد به کار و فعالیت، ایشان در رأس قضیه بود، با ایشان آشنایی حاصل کردم. بعد تا زمانی که ایشان در قم و مشهد تشریف داشتند، بنده ایشان را هر از چند گاهی زیارت می کردم و بعد با آثار علمی شان آشنایی حاصل کردم. بعد تلاش کردم آثار علمی ایشان را جمع آوری کنم و در کتابخانه مدرسه بایگانی شود و در فرصتی که پیش می آید تجدید چاپ شود که بحمد الله تعدادی از این کتاب ها را تهیه کردم، حالا جناب استاد دانش نوید بسیار زیبایی داد که بنیاد اندیشه آثار ایشان را که میراث

بسم الله الرحمن الرحیم. ابتدا بیستمین سال یاد ارتحال ملکوتی آن فقیه خطیب، مورخ، فیلسوف و عارف سوخته دل را گرامی می دارم. ثانیاً وظیفه می دانم از دفتر معاونت دوم ریاست جمهوری و شخص استاد دانش و بنیاد محترم اندیشه و همه همکارانشان راجع به برگزاری این نشست علمی تشکر کنم. کار بسیار نیک و بزرگی انجام یافت. خداوند به عمر ایشان برکت بیفزاید و توفیقاتشان را زیاد نماید.

بنده در رابطه به مرحوم محقق خراسانی چیزهای را می دانم که مربوط می شود به دوره قم؛ چون بنده از سال



و نبض حرکت اجتماعی را در دست داشت و از حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری و دبیرکلی استاد مزاری شهید حمایت باورمندانه می‌کرد.

حمایت ایشان از شهید مزاری حمایت تعارفی نبود. بنده بار بار که با ایشان می‌نشستم در رابطه به شهید مزاری تعبیرات عجیب و غریب داشت. گاهی با من می‌گفت: آقای بهسودی من فدای این چشم‌آبی بگردم. منظور از چشم‌آبی شهید مزاری بود. بعد می‌گفت آقای بهسودی هزاره‌ها تیر در چنجه داشت، هشت تایش رها شد و به هدف نخورد، انشاء الله تیر نهم به هدف اصابت خواهد کرد؛ لذا تیر نهم آقای مزاری است. اطرافش را بگیرد، تبلیغش کنید و حمایتش کنید و همین‌گونه در منبر و جلسات عمومی جناب استاد اخلاقی اشاره فرمود با مشت گره کرده فریاد می‌کشید با آن تعبیراتی رسای که داشت با آن احساسات داغ و گرم که داشت با اتقان بیان که داشت، از آقای شهید مزاری تعبیراتی می‌کرد که در شأن او بود و خود را سربازی در قبال او می‌دانست. این احساس برای خیلی‌ها نبود و حتی در برابر کشور متبوعش هم گفته بود: من در بند این شناسنامه نیستم این ورق پاره را بگیرد. من کار خودم را می‌کنم. باید مرجعیت در افغانستان بومی شود و باید رهبری سیاسی در افغانستان تأیید شود و همین کار را هم کردند.

هرچند بی‌مهری در برابرش زیاد صورت گرفت؛ اما او چون راهش را انتخاب کرده بود و مسیرش را مشخص کرده و همه تبعات را با جان و دل پذیرفته بود؛ بنابراین، **بنیاد آیت‌الله خراسانی** حقیقت این است که هر سال یادبودی از او گرفته شود که ما کوتاهی کردیم و به تفصیر و قصور خود اعتراف داریم. خدا تأیید کند استاد دانش را که این پایه سنگ را گذاشت و اگر بعد از این ماده بار هم از ایشان تجلیل کنیم، ابتکار، آغاز و بنیان این کار به نام ایشان ثبت شده است. همین‌گونه باید سال‌های سال از ایشان یاد کنیم، به خصوص جامعه الاسلام هر سال باید از ایشان تجلیل کند به خاطر که آیت‌الله محقق کابلی اگر آیت‌الله خراسانی نمی‌بود، جا نمی‌افتاد. شرایط اثر داشت. اگر حمایت کابل، حزب، مردم و

گران‌سنگی مردم ما است تجدید چاپ می‌کند. کار بسیار شایسته و بجا است و از همه محققین می‌خواهم که در این امر ایشان را یاری رسانند.

بنده از روزی که با ایشان آشنا شدم، جداً تحت تأثیرش قرار گرفتم و تا به امروز که به این سن و سال رسیده‌ام، تحت تأثیر هیچ یکی از مراجع قرار نگرفته‌ام؛ اما تحت تأثیر ایشان در لحظه ملاقات قرار گرفتم و بعد مثل سایه ایشان را تعقیب می‌کردم. حتی در جلسات خصوصی با ایشان می‌نشستم و دیدگاه‌های ایشان را می‌پرسیدم و آگاهی پیدا می‌کردم. آیت‌الله شیخ عیسی محقق قاسمی معروف به محقق خراسانی به فرمایش جناب استاد اخلاقی تنها فقیه اصولی نبود. او هم فیلسوف بود هم مورخ بود، هم خطیب بود و هم انسان سیاست‌مدار و مدیر خبیر بصیر. دردی که ایشان داشت از تعهد و آگاهی ایشان نشئت کرده بود که جناب استاد احمدی اشارت زیبایی داشت. ایشان در همه عرصه‌ها نابغه بود. در عرصه خطابه و سخن او یک خطیب عادی نبود. من یک نقل می‌کنم از آیت‌الله خمینی که ایشان اهل مبالغه نبود. آیت‌الله خمینی بر علاوه این که پای سخنان آیت‌الله خراسانی در نجف می‌نشستند که حاجی آقای اخلاقی اشاره فرمود و همچنان «آیت‌الله خوبی، رحمت‌الله»، و آقای شهید صدر این‌ها از اعلام بودند که تا آخر پای سخنان هر کس نمی‌نشستند، ولی هر جا که آیت‌الله خراسانی منبر می‌رفت، این مراجع بزرگ پای سخنان ایشان تا آخر می‌نشستند.

مرحوم امام یک تعبیر دارد که گفته است: خطیب مثل ایشان در عرب و عجم ندیده‌ام. این خیلی مسئله است که خطیبی مثل ایشان در عرب نباشد و در عجم هم نباشد؛ امام اهل مبالغه نبود. انصافاً زمانی که بنده با صحبت او آشنا شدم از همان لحظه تحت تأثیر کلام، لهجه، متد و روش ایشان قرار گرفتم و سخت سرم تأثیر کرد؛ بنابراین، آیت‌الله خراسانی به تعبیر استاد اخلاقی از پایه‌گذاران و اساس‌گذاران مرجعیت در افغانستان بود. واقعاً اگر تأکیدات و تشویقات ایشان نبود، آیت‌الله محقق کابلی پا به عرصه اجتهاد نمی‌گذاشت و مهم هم این بود که ایشان در عین حال که فقیه بود، مسائل مهم سیاسی

شهید مزاری نبود، مرجعیت ایشان حتی در مخیله خود جناب ایشان نبود. صحبتی که جناب استاد آقای اخلاقی فرمود دقیق است.

بنده در رابطه با بحث‌هایی که می‌کرد اگر بخواهیم مقایسه بکنیم با خیلی از بزرگان جهان اسلام قابل مقایسه است. آثار ایشان را که در کلیپ هم دیدیم بنده یک یادداشت را هم نزد خود آوردم، این آثار را فهرست می‌کنم و بعد مقایسه می‌کنیم با خیلی از مسائل. ایشان در بحث منظومه، حکمت، فلسفه هدایت المنطق را دارد که یک جلدش طبع شده و دو جلدش مخوط است که می‌شود سه جلد. واقعاً شرحی که ایشان در اینجا نوشته است، آدم می‌تواند با خود ملا هادی سبزواری مقایسه کند؛ یعنی اگر این کتاب شرح منظومه نبود و اگر جدا و مستقل نوشته می‌شد، می‌توانست جای منظومه را بگیرد. بعد کتاب هدایت الحکمه ایشان که شرح حکمت منظومه است، از همین قاعده برخوردار است و اجزای متعدد دارد که هنوز چاپ نشده است. الیتمه ایشان شرح حاشیه ملا عبدالله است که در منطق ارسطو تحریر شده و دو جلد است و خوشبختانه هر دو جلد چاپ شده است. الا اذا ألقاسمی اش شرح بیع مکاسب است که ایشان واقعاً فقیهانه اینجا بحث کرده و آدم از خواندن عبارات ایشان

هرچند بی‌مهری در برابرش زیاد صورت گرفت؛ اما او چون راهش را انتخاب کرده بود و مسیرش را مشخص کرده و همه تبعات را با جان و دل پذیرفته بود؛ بنابراین، آیت‌الله خراسانی حقش این است که هر سال یادبودی از او گرفته شود که ما کوتاهی کردیم و به تقصیر و قصور خود اعتراف داریم.

جداً حظ می‌کند در دو جلد است و هر دو مخوط است هنوز چاپ نشده است. عبده الوسایل ایشان در شرح قطع رسایل آمده است.

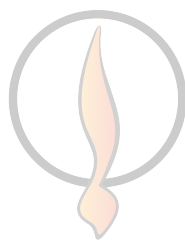
واقعاً بحث قطع را که شیخ ابداع فرمود ایشان تکمیلش کرد. واقعاً بحث قطع تجری انقیاد از زبان آیت‌الله خراسانی بسیار زیبنده است و خدا کند ان‌شاءالله همه این کتاب‌ها در اختیار رفقای محقق خراسانی قرار بگیرد. سلمه السعود ایشان در اخلاق سه جلد است. واقعاً با اخلاق نعرافیه قابل مقایسه است با اخلاق ناصری قابل مقایسه است و با اخلاق بقیه قابل مقایسه است و اگر برتری نداشته باشد، با آن‌ها جداً می‌تواند مقایسه شود. الکفاح الاسلامی فی مشکله الفقر کتابی است که در حوزه‌های علمیه علما هنوز به این مشکل پرداخته بود که فقرا حل بکنند، بلکه یک سری تلقیات و برداشت‌های دگم صوفیانه‌ای وجود داشت که مثلاً فقرا با زهد مساوی می‌دانستند و فخر خود تلقی می‌کردند؛ اما ایشان به رغم این‌گونه برداشت‌ها می‌آید در رابطه با مشکل فقر کتاب می‌نویسد و تعبیرات بسیار زیبا دارد که ما تا فقرا برطرف نکنیم به جای نمی‌رسیم. بعد الکفاح الاسلامی فی مشکله المرض در رابطه با بیماری که دیگر فقها در رابطه به طبابت و بیماری پرداخته است، ایشان در این رابطه پرداخته است و کتاب نوشته است که ما باید کسالت و فشالت را و امثال این‌ها را برداریم و در باب کسالت یک باب مستقل باز کرده که از کجا ایجاد می‌شود.

این نشان می‌دهد که ایشان واقعاً متبحر بوده است و بنا داشته است که سلامت جسمی در کنار سلامت ایمانی و روانی در جامعه حاکم شود و در این باب کتاب می‌نویسد. الکفاح الاسلامی فی مشکله الجهل که حرکت‌های ناشیانه و برخی حرکت‌های متعمدانه عقب‌گرا را ناشی از جهل، بی‌باوری و بی‌دانشی می‌دانستند. در این رابطه خیلی کم انسان‌ها کتاب نوشته باشند. همین‌گونه می‌بینیم که در رابطه مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین کتاب می‌نویسد به نام خصال نامتناهی ولی در صفات مرد نامتناهی.



کابلی بود، لذا نیاز به سخنان بسیار قوی و قدرتمند در حوزه قم بود. جناب استاد اخلاقی، ناصری، عارفی و بقیه رفقای که در کنار هم کار می‌کردیم شایسته است ایشان هم در قم بیاید. ایشان در قم آمد و یک ماه تمام در رابطه به وجوب شکر منعم صحبت کرد. وقتی او را مقایسه می‌کنم، اصلاً فلسفه استاد مصباح یزدی نزد او بیچاره می‌شود. حالا کدام فیلسوف در رابطه با وجوب شکر منعم صحبت کند. آخر ما رفتیم تقاضا کردیم که جناب آقای خراسانی! به خاطری که در اینجا مردم و مهاجرین ما از اطراف جمع می‌شوند، جلسه خالص علمی نیست؛ لذا شما یک مقدار سبک بحث را پایین بیاورید، ما را بیچاره کردی و ما اصلاً نمی‌فهمیم که شما چه می‌گویید. از او تقاضا کردیم تا ساده‌تر بحث کند. ایشان فرمود: خوب است من ساده‌تر بحث می‌کنم. ایشان اگر یک افغانستانی و هزاره نبود، یکی از نوابغ جهان اسلام بود، ولی حالا بدون شک یکی نوابغ جهان اسلام است.

آثار و قلم‌شان را که ببینید نشان می‌دهد که صاحب قلم کی بوده و بیان‌شان را که ببینید نشان می‌دهد که صاحب بیان چه کسی بوده است و خوب است که



بنیاد اندیشه حمایت ایشان از شهید مزاری حمایت تعارفی نبود. بنده بار بار که با ایشان می‌نشستم در رابطه به شهید مزاری تعبیرات عجیب و غریب داشت. گاهی با من می‌گفت: آقای بهسودی من فدای این چشم‌آبی بگردم. منظور از چشم‌آبی شهید مزاری بود. بعد می‌گفت آقای بهسودی هزاره‌ها نه تیر در چننه داشت، هشت تایش رها شد و به هدف نخورد، انشاء الله تیر نهم به هدف اصابت خواهد کرد؛ لذا تیر نهم آقای مزاری است.

از عنوانش هم معلوم است که عنوان بسیار بدیع و بکر است. همین‌گونه در رابطه به تاریخ «المؤلفون الافغانیون المعاصرون» را می‌نویسد و تقدیم می‌کند به ظاهر شاه که مفاخر هزاره‌جات را به او بفهماند که ظاهر شاه شما چنین مفاخری را در افغانستان دارید. به همان هدف این کتاب به اعلی حضرت ظاهر شاه اثر کرد، در حالی که دیگران به این مسئله نمی‌اندیشید. بعد کتاب الهزازه فی التاریخ که واقعاً در آن زمان تعبیر می‌شد به بربری‌ها در نجف. وضعیت نامطلوبی حاکم بود. بردند نام هزاره در آنجا هم با شأن انسان عادی نمی‌خورد، چه رسد این‌که یک فقیه بیاید از هزاره سخن بگوید. در حالی که پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد، اگر یک فقیه بیاید از هزاره نام ببرد متهم می‌شود که چرا هزاره می‌گویی. در حالی که ایشان پنجاه سال پیش این بحث را مطرح کرد و تاریخ هزاره‌ها را نوشت. می‌شود گفت که ایشان اولین مورخ هزاره‌ها در عصر حاضر است.

حالا اگر بحث کاتب را کنار بگذاریم در عصر حاضر، یعنی در پنجاه یا شصت سال قبل از این روز ایشان مؤسس و بنیان‌گذار تاریخنگاری در افغانستان است، البته تاریخ... المنقول قبل از ایشان است؛ ولی ایشان با یک رویکرد جدیدتری نوشته است و این رویکرد خیلی جالب است و خوب است که این عبارت به فارسی ترجمه شود تا ان شاء الله از جزء کتب تاریخی ما قرار بگیرد. به همین‌گونه ارغام الجاهدین فی الدحس شبهات الملحدين که در چهار جلد همه‌اش مخظط است که در رابطه با بحث اعتقادی است. واقعاً این‌ها آثار علمی و ماندگاری‌اند که افتخارش به ما برمی‌گردد و این‌ها میراث مردم ما و میراث فرهنگیان و فرهیختگان و علمای ما است و خوب است خطبای ما سبک و سیاق سخنش هم اتخاذ شود از سبک و سخن آیت الله خراسانی. ایشان در سخن و خطابه در جهان اسلام بی‌نظیر بود و خوب است این نوارها را گوش کنید.

بنده در ماه رمضان ایشان را از مشهد مقدس به قم دعوت کرده بودیم؛ چون آغاز مرجعیت آیت الله العظمی

نوارهایشان موجود است. اگر دفتر آیت الله العظمی کابلی واقعاً بیانات ایشان را حفظ کرده باشد که باید حفظ کند، سخنانی که ایشان در بندرعباس، اصفهان، قم، ملایر، مشهد و جاهای مختلف کرده باید بایگانی شده باشد. هر جا که ایشان می‌رفت، بعد آیت الله العظمی کابلی می‌گفت: هر جا که خراسانی رفته دنبالش باید واعظ زاده بهسودی برود و کسی دیگر نمی‌شود برود؛ لذا هر جا ایشان رفته بود دنبالش من میرفتم. بحمد الله مرجعیت را جا انداختیم و راه انداختیم. جناب استاد اخلاقی فرمایش کرد که اول ما نه تا رساله را کپی کرده بودیم و با نه تا رساله کاپی تمام شهرستانها را زیر پا گذاشتیم و با نه رساله مردم خود را منسجم کردیم.

جلسه رو به پایان است. ما از این نخبه‌ها زیاد داشتیم؛ اما «دانش» نداشتیم تا این نخبه‌ها را به ظهور و بروز برساند و به جامعه معرفی کند. ایشان ان شاء الله آغازگر باشد و ما هم در ادامه راه ایشان نخبگان تاریخی و فرهنگیان خود را اعم از فقها، اصولی، مورخ و درمندان و متعهدان جامعه خود را تجلیل می‌کنیم و

چقدر خوب است که شما از این زمینه استفاده بهینه کنید. بنیاد اندیشه واقعاً بستر خوبی فراهم کرده است. اهل قلم در این بستر قلم بزنند، بنویسند و تحقیق کنند و بنیاد اندیشه چاپ می‌کند.

این بستر خیلی به آسانی گیر ما و شما نیامده است. امیدوارم این بستر همیشه فراهم بماند و ایشان پنج سال دیگر هم با قدرت و قوت که دارد در بنیاد اندیشه مصدر خدمات محققین و فرهیختگان باشد. خوب است که ما علاوه به قدرت علمی ایشان از قدرت دولتی‌اش هم استفاده کنیم و این شرایط همیشه برای ما میسر نیست. پروردگارا روح آن بزرگ مرد شیخ عیسی قاسمی قنبری معروف به محقق خراسانی را از همه ما شاد و خرم بفرما. پروردگارا کسی که بانی این مجلس شده است و آن آقای که یادنامه را ترتیب داده است، این‌ها را اجر جزیل عنایت بفرما. ما را پاسدار خدمت‌گزاران به دین و سیاست ما قرار بده. روح شهید مزاری را از همه ما خرسند گردان. بر محمد و آل محمد صلوات. □

